**مجموعه‌ای از آثار مبارکه جمع‌آوری شده به مناسبت کنفرانس مشاورین سال ۲۰۱۸**

رجا آنکه از عنایت حکیم دانا رمد ابصار رفع شود و بر بینائیش بیفزاید تا بیابند آنچه را که از برای آن بوجود آمده‌اند امروز آنچه از کوری بکاهد و بر بینائی بیفزاید آن سزاوار التفاتست این بینائی سفیر و هادی دانائی است نزد صاحبان حکمت دانائی خرد از بینائی بصر است

(مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، ص ۱۱، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[١]**

*\*\*\**

بهرچه از حقّ دور شوی و از یار مهجور گردی مذموم و منفور و بهرچه بدوست نزدیک شوی مقبول و ممدوح انسان باید نظر نماید و بصر جوید آنچه سبب دوریست از آن بیزار گردد و آنچه واسطهٴ قرب و نور است باید بآن بیدار شود

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شمارۀ ۹۷، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[٢]**

هر نفسی باید ملاحظه کند که رضای حضرت پروردگار در چه چیز است و سبب قربیّت حضرت احدیّت چه احوال و چه اطوار و چه گفتار و به جان و دل بکوشد و بجوشد و بآن عمل نماید

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شمارۀ ۲۴۴، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[٣]**

سراج ایمان چون در زجاج قلب و روان برافروزد شعاع ساطعش بر ارکان زند این نور لامع چون از روزنهٴ زبان بدرخشد نطق و بیان گردد و چون پرتوش بر بصر افتد بصیرت و عیان شود و چون بر سمع زند اُذُن واعیه گردد چون بر عقل زند معرفت رحمن شود چون بر اعضا زند طهارت و عبادت یزدان گردد والّا جمیع قوی و اعضا و ارکان مهمل و معطّل و اعمالشان چون سراب بیابان شود

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شمارۀ ۴۴، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[۴]**

باید بهر نحویکه ممکن است قبل از همه چیز قلب را صاف و نیّت را خالص نمود والّا اقدام بهیچ امری نتیجه و ثمری نبخشد باید از تصنّع و تقلید احتراز جست چه که رائحهٴ منتنه‌اش را هر عاقل هوشمندی فوراً ادراک نماید باید اوقات مخصوصهٴ تذکّر و تنبّه و دعا و مناجات را فراموش ننمود چه که بدون فضل و عنایت الهیّه موفّقیّت و ترقّی و پیشرفت در امور مشکل بلکه ممتنع و محال نمیدانید که محبّت خالصانه و صداقت و خلوص نیّت چه اثری در نفوس نماید ولی تحقّق این امر منوط بسعی و کوشش هر فردی از افراد در هر یومی از ایّام است

(توقيعات مباركه ۱۹۲۲-۱۹۲۶‌، ص ۱۶۹، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[۵]**

در سراسر جهان، چه در داخل و چه در خارج جامعۀ امر، نیازی مبرم به بصیرتی روحانی است که بر حیات بشری پرتو افکند و مشوّق و الهام‌بخش آن گردد. هیچگونه دستورالعمل ‌اداری و تمسّک به مقرّرات نمی‌تواند جانشین این خصیصۀ روحانی گردد، روحانیّتی که حقیقت ذاتی انسان است.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۲۵ آوریل ۱۹۴۵ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)[[1]](#footnote-1)۱

**[۶]**

… باید به مرحله‌ای از روحانیّت نائل گردیم که خداوند را در درجۀ اوّل اهمّیّت قرار دهیم تا هوای نفسانی نتواند ما را از خدا دور سازد. چه بسیار مشاهده می‌نماییم نفوسی را که از روی شدّت نفرت و یا علاقۀ مفرط نسبت به شخصی اصول را زیر پا می‌گذارند و یا خود را از سلوک در سبیل الهی محروم می‌سازند.…

باید خدا را دوست بداریم تا محبّت نسبت به نوع بشر میسّر گردد. نمی‌توانیم هر فرد را به خاطر خودش دوست داشته باشیم بلکه احساس ما به نوع بشر باید از محبّت ما به پدر آسمانی که خالق همۀ ابنای بشر است سرچشمه گیرد.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۴ اکتبر ۱۹۵۰ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)

**[٧]**

*\*\*\**

بندگی حقّ در عبودیّت یاران باید انسان جوهر خضوع شود و حقیقت خشوع فانی محض گردد و فارغ از هر مرض تا آنکه سزاوار عبودیّت درگه پروردگار شود

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شمارۀ ۱۵۶، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[٨]**

دقیقه‌ئی میاسا و آنی راحت مجو بلکه بجان و دل بکوش که یاری از یاران را غاشیه بر دوش گردی و سبب فرح و شادمانی قلبی نورانی شوی اینست موهبت که جبین عبدالبهآء بآن روشن است تو نیز شریک و سهیم او شو

(مرکز جهانی بهائی)

**[٩]**

امروز زندگی به هدف تبلیغ همچون شهادت در ایّام اوّلیّۀ امر است. روحی که مشوّق و محرّک عمل ماست اهمّیّت دارد نه نفس عمل، و آن روحِ خدمت به امر الهی از صمیم دل و جان است.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۳ اوت ۱۹۳۲ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)

**[١٠]**

توصیه‌ای که حضرت ولیّ‌امرالله به شما در بارۀ تقسیم وقت خود بین خدمتِ امر الله و تمشیت دیگر امور و وظایف خویش فرموده‌اند توصیه‌ای است که حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء نیز به بسیاری از احبّای دیگر فرموده‌اند. این امر به معنی برقراری توافق و تعادلی بین دو آیۀ کتاب مستطاب اقدس است؛ یکی آیه‌ای است که خدمت در سبیل ترویج امر الله را وظیفۀ هر فرد بهائی تعیین می‌کند و دیگری آیه‌ای است که اشتغال به نوعی کسب و کارِ مفید به حال اجتماع را برای هر نفس لازم می‌داند. حضرت بهاءالله در یکی از الواح مبارکه می‌فرمایند که والا‌ترین نوع انقطاع در عصر حاضر آن است که شخص به شغل و حرفه‌ای مشغول گردد و خودکفا باشد. بنا بر این یک بهائی شایسته کسی است که زندگی خویش را طوری تنظیم کند که وقت را هم صرف برآوردن نیازهای مادّی خود و هم وقف خدمت به امر الله نماید.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۲۶ فوریه ۱۹۳۳ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)

**[١١]**

هیچ چیز مانند خدمت موجب موفّقیّت در امر مبارک نیست. خدمت مغناطیس تأییدات الهیّه است. فیوضات روح القدس شامل فرد فعّال می‌گردد ولی در فرد غیر فعّال مکمنی نمی‌یابد و چنین افرادی از انوار شفابخش و احیاکنندۀ آن محروم می‌مانند.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۵۲ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)

**[١٢]**

*\*\*\**

خدمت امر اللّه الیوم الفت و محبّت احبّآء اللّه است باید در کمال فقر و فنا و محو و صفا و خضوع و خشوع و وفا با یکدیگر الفت نمائیم و در نشر نفحات بکوشیم زیرا استعداد الیوم فوق الحدّ است اگر چنانچه تأخیری افتد از قصور ماست و سبب این قصور فتور در اتّحاد و اتّفاق

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شمارۀ ۱۸۲، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[١٣]**

الیوم ذرّه‌ئی از اعمال که لِلّه نباشد خسران مبین است و کلمه‌ئی که لِلّه گفته نشود شعله‌انگیز است

(مرکز جهانی بهائی)

**[١۴]**

مقصد از ظهور مظاهر مقدّسه الفت و محبّت عالم انسانی بود حال احبّا باید در این میدان جانفشانی نمایند تا عالم انسانی را بصهبای محبّت یکدیگر سرمست کنند و قلوب آفاق را شادمانی بخشند آنچه در الفت بیشتر کوشند پیشتر پویند و آنچه در اتّحاد همّت مبذول دارند عون و عنایت بیشتر مشاهده کنند ... بنیاد خلاف براندازید و بنیان ائتلاف بلند سازید و بذیل محبّت الهیّه درآویزید و ساحت قلب را از مغایرت و مخالفت بپردازید تا محلّ اشراق شمس حقیقت گردد و نور موهبت بدرخشد هر یک خادم یکدیگر شوید و هر کدام در ره دیگر جانفشانی نمائید

(مرکز جهانی بهائی)

**[١۵]**

اگر ما بهائیان نتوانیم به وحدت و اتّفاق صمیمانه در بین خود نائل شویم، از تحقّق مقصد اصلیّه که حضرت اعلی و حضرت بهاءالله و حضرت مولی‌الوری حیات خود را در راه آن وقف نمودند و به خاطر آن تحمّل مصائب نمودند باز خواهیم ماند.

یکی از ضروریّات اوّلیّه برای حصول این وحدتِ صمیمانه که مورد تأکید حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء قرار گرفته آنست که از توجّه به معایب و نقایص دیگران که از تمایل فطری بشری است بپرهیزیم و به عیوب نفس خود مشغول شویم. هر یک از ما تنها مسئول حیات خویش است. مسلّماً هر یک از ما از رتبۀ کمال یعنی آن "کمالی که مخصوص پدر آسمانی است" بسیار بدور هستیم. نیل به کمال در زندگی و کسب خصایل مستلزم نهایت توجّه و عزم جزم و صرف قوا می‌باشد. اگر اجازه دهیم که وقت و نیروی ما برای اصلاح دیگران و رفع عیوب آنان صرف شود وقت گرانبهای خود را بیهوده تلف کرده‌ایم. ما مانند شخم‌زنانی هستیم که هر یک مسئول هدایت گروه خود و شخم زدن ردیف خود می‌باشد و برای اینکه شیارِ او مستقیم پیش برود باید چشم خود را به مقصد دوخته حواس خویش را متوجّه کار خود سازد. هرگاه متوجّه اطراف شود و بخواهد ببیند دیگران چکار می‌کنند و از شخم زدن آنها ایراد بگیرد بدون شک شیار خود او کج و معوّج خواهد شد.

در هیچ موردی، تعالیم بهائی به اندازۀ اجتناب از عیب‌جویی و غیبت مؤکّد و الزام‌آور نیست. باید با کمال جدّیّت در صدد کشف و رفع عیوب خود برآییم و بر نقایص خود غلبه کنیم.

اگر به حضرت بهاءالله و حضرت مولی‌الوری و حضرت ولیّ عزیز امر الله ایمان داریم باید با اطاعت از این تعالیم صریحه عشق خود را عملاً نشان دهیم.  آن هیاکل مقدّسه از ما انتظار عمل دارند نه حرف، ابرازِ پرشورِ وفاداری و ستایش به هیچ وجه قصور در اجرای تعالیم الهی را جبران نخواهد کرد.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۱۲ مه ۱۹۲۵ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)

**[١۶]**

احبّای الهی در حقیقت هنوز کاملاً نیاموخته‌اند که از محبّتی که به یکدیگر دارند برای تقویت و تسلّی خاطر در هنگام احتیاج چگونه استفاده نمایند. امر الهی دارای قدرت عظیمی است و علّت اینکه یاران بیشتر از آن استفاده نمی‌کنند این است که هنوز نیاموخته‌اند چگونه از این نیروی عظیم محبّت، قدرت و اتّفاق و هماهنگی که این امر اعظم ایجاد کرده است به طور کامل بهره گیرند.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۸ مه ۱۹۴۲ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)

**[١٧]**

حقیقتاً در این ایّام نیاز به دلاوری و شهامت مؤمنین است. از خودگذشتگی، شجاعت، امید و اطمینان خلل‌ناپذیر از خصایصی است که احبّا باید به آن متّصف باشند، چه که این صفات توجّه جامعه را به خود معطوف داشته موجب خواهد شد که مردم در صدد تفحّص برآیند که آیا در جهانی که تا این حدّ نومید و دچار هرج و مرج و گمراهی است چه چیز احبّا را اینگونه امیدوار، مطمئن و چنین معتقد و فداکار می‌سازد؟ این صفات ممیّزۀ بهائی است که به مرور زمان مردم را بیشتر جلب خواهد کرد. احبّا باید از تنفّر و تهمت که هادم بنیان جامعۀ بشری است دوری جویند و با گفتار و کردار ایمان عمیق خود را به اتّحاد صلح‌آمیز آیندۀ تمامی نوع بشر نشان دهند.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۲۶ اکتبر ۱۹۴۱ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)

**[١٨]**

امّا در مورد موضوع مربوط به خانم … و عدم سازگاری که در بین بعضی از احبّا در … دیده می‌شود و زمانی که بهائیان اجازه دهند قوای ظلمانی عالم بر روابط آنان در داخل جامعۀ امر سایه افکند در واقع پیشرفت جامعۀ خود را شدیداً به مخاطره می‌اندازند.… همه باید حاضر و مایل باشند که دعاوی شخصی خود را، چه موجّه و چه غیر موجّه، به خاطر خیر و صلاح امر الهی نادیده بگیرند زیرا مردم هرگز امر را نخواهند پذیرفت مگر آنکه در جامعه‌اش خصایلی را مشاهده کنند که جهان امروز فاقد آن است، یعنی محبّت و یگانگی.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۱۳ مه ۱۹۴۵ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به محفل ملّی استرالیا و نیوزیلند)

**[١٩]**

*\*\*\**

ای والهان جمال یزدانی و آشفتگان محبوب حقیقی در چنین روزی که اریاح افتتان و امتحان عالم را احاطه نموده است و زلازل اضطراب جهان را آشفته کرده است باید انشآءاللّه از افق ثبوت و رسوخ بقسمی با رخی تابان و جبینی رخشان ظاهر گردید که ظلمات تزلزل و اضطراب بکلّی محو گردد و انوار یقین از افق مبین طالع و لائح شود

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شمارۀ ۱۲، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[٢٠]**

ای یاران عبدالبهآء ضوضای ملل و غوغای امم در یوم ظهور اسم اعظم محتوم و مسلّمست و حکمت این امر محتوم واضح و معلوم زیرا چون اریاح امتحان بوزد درختان ضعیف از بن و ریشه برافتند ولی اشجار مبارکه ثبوت بیفزایند و متانت بنمایند شدّت باران حشرات ارض را مضطرب و پریشان و سرگردان نماید ولی حدائق پرشقائق شود ریحان و گل بروید و بلبلان بنغمه درآیند و در هر دمی هزاران هزار ترانه بسرایند نعمة للأبرار و نقمة للضّعفآء حمد کنید خدا را که قدم ثابت بنمودید و مانند ذهب ابریز در آتش آزمایش رخ برافروختید از حقّ میطلبم که روز بروز بر ثبوت و رسوخ بیفزائید

(مرکز جهانی بهائی)

**[٢١]**

از خدا خواهم که روز بروز بر استقامت بیفزائی تا مانند بنیان متین مقاومت دریای امتحان نمائی نفوس بشر مانند شجرند یعنی درختانی که ریشه ندارند باندک بادی از بیخ برافتند و امّا اشجاری که ریشه دوانند و محکم و متین گردند از بادهای شدید متزلزل نشوند لهذا برگ و شکوفه و ثمر بخشند

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شمارۀ ۱۳۰، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[٢٢]**

حکمت بالغه بسیار هر کس مطّلع بر اسرار نه رحمت منبسطه و حکمت کلّیّهٴ الهیّه مقتضیاتی دارد که عقول بشریّه از ادراک آن عاجز و قاصر اگر تنگی و آزردگی و مشقّت متزاید است غم مخور لطف و عنایت حقّ نیز متتابع چه بسیار که انسان از امری گریزان و بامر دیگر در نهایت آرزو امیدوار عاقبت واضح و آشکار شود که امر مرغوب ضارّ و مضرّ و امر منفور نافع و موافق

پس ره تسلیم بپیما و خود را تفویض کن از هیچ محنتی دلتنگ مشو و بهیچ منحتی امیدوار مگرد آنچه خدا خواهد بآن مسرور و راضی باش تا راحت دل و جان یابی و مسرّت قلب و وجدان جوئی عنقریب این زحمت و مشقّت بگذرد و راحت جان و مسرّت وجدان حاصل شود

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شمارۀ ۱۶۶، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[٢٣]**

ای ناظر بملکوت ابهی در این یوم شدید که شدائد بلایا ارکان امکان را متزلزل نموده و افتتان و امتحان الهی قوائم بنیان جهان را مرتعش کرده تو بقوّتی ملکوتیّه و تأییداتی لاهوتیّه بر امر الهی ثابت و مستقیم و راسخ مان و چون جبل مبین و بنیانی متین و سدّی حائل و حاجزی کامل باقی و برقرار باش از روایح بلایا مضطرب مشو و از شدائد مصائب متزلزل مگرد انوار تأیید از ملکوت الهی ساطعست و جنود توفیق از رفیق اعلی متواصل مطمئن باش و متیقّن

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شمارۀ ۲۹۸، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[٢۴]**

امّا نباید فراموش کنیم که مشقّت و مصائب از خصوصیّات اساسی این عالم است و با غلبه بر آنهاست که می‌توانیم موفّق به پیشرفت اخلاقی و روحانی شویم. به فرمودۀ حضرت مولی‌الوری غم و اندوه مانند شیار بر زمین است هر چه عمیق‌تر باشد ثمراتش پربارتر است.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۵ نوامبر ۱۹۳۱ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)

**[٢۵]**

از شرایط نامطلوبی که در جامعۀ بهائی در … وجود دارد شکایت کرده‌اید، حضرت ولیّ‌امرالله به اوضاع امری آن منطقه به خوبی واقفند امّا اطمینان دارند که علیرغم ماهیّت موانعی که امر مبارک با آن رو به روست نهایتاً بر آن موانع غالب خواهد شد. شما تحت هیچ شرایطی نباید احساس یأس نمایید و به خود اجازه دهید که چنین مشکلاتی حتّی اگر در نتیجۀ سوء رفتار و یا عدم قابلیّت و بصیرت بعضی از افراد جامعه به وجود آمده است شما را از تمسّک به ایمان و وفاداری نسبت به امر مبارک باز دارد. مطمئنّاً نباید افراد احبّا را معیار سنجش قدرت و عظمت امر دانست، حتّی اگر اشخاص قابل باشند، خواه مبلّغ و خواه عضو تشکیلات، و یا افرادی با سجایای رفیع فکری و روحانی. برای هدایت و الهام، احبّا باید به تعالیم الهیّه و حیات مؤسّسین این امر اعظم ناظر باشند و فقط به وسیلۀ چنین نگرش صحیحی است که می‌توانند وفاداری خود را به حضرت بهاءالله بر اساسی محکم و پایدار بنا نهند. بنا بر این شما باید با هوشیاری تام و سعی مدام نقش کامل خود را در تحقّق استقرار تدریجی این نظم جهانی الهی ایفا نمایید.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۲۳ اوت ۱۹۳۹ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)

**[٢۶]**

شاید بزرگ‌‌ترین امتحانی که بهائیان با آن رو به رو می‌شوند از جانب یکدیگر است. ولی به خاطر حضرت مولی ‌الوری آنان باید همیشه آماده باشند که خطاهای یکدیگر را نادیده بگیرند و برای سخنان درشتی که ادا کرده‌اند پوزش طلبند، ببخشند و فراموش کنند. حضرت ولیّ‌امرالله به شما چنین رفتاری را مؤکّداً توصیه می‌فرمایند.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۱۸ دسامبر ۱۹۴۵ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)

**[٢٧]**

ضعف و خصوصیّات شخصی انسان‌ها می‌تواند امتحان بزرگی باشد. امّا تنها راه، بلکه باید گفت اوّلین و بهترین طریق علاج چنین اوضاعی، آنست که انسان خود آنچه درست است انجام دهد. یک فرد می‌تواند سبب روحانیّت و نورانیّت یک قارّه شود.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۴۹ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)

**[٢٨]**

این امتحانات و افتتانات که همۀ جوامع بهائی ناگزیر باید از آن بگذرند غالباً در اوّلین وهله شدید به نظر می‌رسد ولی با نگاه به گذشته متوجّه می‌شویم این امتحانات به علّت ضعف طبیعت بشر، سوء تفاهمات و مسائل مربوط به دوران رشد بوده که هر جامعۀ بهائی باید آنها را تجربه نماید.

(ترجمه‌ای از نامۀ مورّخ ۲۵ نوامبر ۱۹۵۶ از جانب حضرت ولیّ‌امرالله خطاب به یکی از احبّا)

**[٢٩]**

*\*\*\**

اگر زندگانی باقی خواهی نفحهٴ الهی بمشام آر و اگر حیات جاودانی جوئی در ظلّ کلمهٴ الهی درآ

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شمارۀ ۱۱۱، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[٣٠]**

امروز قوّت و اقتدار اکسیر اعظم راست که حقائق ظلمانی را نورانی نماید و هویّت نادانی را آیت رحمانی فرماید و آن کلمة اللّه است که عالم امکانرا بجلوه ربّانی منوّر نموده و آفاقرا بنفحات قدس معنبر کرده

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شمارۀ ۱۶۰، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[٣١]**

کلمهٴ الهیّه چون نسیم بهاری و اریاح لواقح رحمانیست لکن چون این از حنجر روحانی تلاوت شود روح حیات نثار نماید و جان نجات مبذول دارد ارض طیّبه را گلشن و گلزار نماید و آفاق وجود را عنبربار

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، شمارۀ ۳۵۳، کتابخانۀ مراجع و آثار بهائی)

**[٣٢]**

اگر بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء را در نهایت خلوص و دقّت مطالعه و در آن تعمّق و تفکّر نمایید به حقایقی پی خواهید برد که قبلاً برای شما مجهول بوده است و بینش به مسائلی کسب خواهید کرد که متفکّرین بزرگ جهان از حلّ آن درمانده‌اند.

(ترجمه‌ای از دستخطّ حضرت ولیّ‌امرالله اضافه شده در نامۀ مورّخ ۳۰ ژانویه ۱۹۲۵ از جانب هیکل مبارک خطاب به یکی از احبّا)

**[٣٣]**

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۷ نوامبر ۲۰۲۲، ساعت ۸:۰۰ قبل از ظهر

1. ۱ ترجمه‌ها توسّط هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی تهیه شده است. [↑](#footnote-ref-1)